

● نویسنده: الیگو سیلوستر

● مترجم: مجید عمیق

● تصویرگر: سام سلماسی

ریشه‌ها باید خودشان تلاش کنند

روزی از روزها دو همسایه تصمیم گرفتند در حیاط خانه‌شان باغچه درست کنند. آن‌ها گل‌ها و گیاهان مختلفی در باغچه کاشتند و هر روز به آن‌ها آب می‌دادند. اوّلی به اندازه‌ای که لازم بود به گل‌ها و گیاهانش آب می‌داد. در حالی که دومی بیش از اندازه به آن‌ها آب می‌داد.

گیاهان و گل‌های باغچه‌ی اوّلی خیلی خوب رشد کردند؛ امّا باغچه‌ی دومی خیلی سبزتر به نظر می‌رسید. یک شب، باران شدیدی بارید. فردای آن روز، باغچه‌ی دومی از بین رفته بود و همه‌ی گل‌ها و گیاهانش از ریشه در آمده بودند؛ امّا باغچه‌ی اوّلی آسیبی ندیده بود.

دومی با تعجب نگاه کرد و به همسایه‌اش گفت: «من و تو که با هم باغچه‌ها را کاشتیم و آب دادیم. چرا باغچه‌ی من از بین رفت و برای باغچه‌ی تو اتفاقی نیفتاد؟»

همسایه جواب داد: «تو خیلی
به باغچه‌ات می‌رسیدی. خیلی به
آن آب می‌دادی؛ به همین خاطر
گیاهان و گل‌های باغچه‌ی تو تلاش
نکردند تا در عمق خاک ریشه بزنند
و جایشان را محکم کنند؛ اما گیاهان
باغچه‌ی من در خاک ریشه دواندند؛
برای همین آسیبی ندیدند.»

